



تحلیل نقش زنان در ادبیات مقاومت دفاع مقدس

فیروزه امیری اندبیلی^۱، سید سعید احدزاده کلوری^۲، سید یوسف مولایی^۳، محمد رضا شاد منامن^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۸

چکیده:

در ادبیات دفاع مقدس که توصیف بیرون و درون انسان‌هایی است که برای حفظ و فضایل انسانی در مقابل تجاوزگران به کرامت‌های انسانی به پا خاسته‌اند، زن نقش قابل توجهی دارد. آنچه در ادبیات دفاع مقدس سیمای زن را از نظایر آن در ادبیات پایداری جهان متمایز می‌کند پیروی او از حضرت زینب (س) در وقایع کربلا است. در این راستا ایمان، ظلم‌ستیزی، ایثارگری و صبوری زن به نحو بسیار شایسته‌ای در ادبیات دفاع مقدس به نمایش گذاشته شده است.

ادبیات زنانه از خصوصیات مشترکی بهره‌مند است، ویژگی‌هایی که شاید در آثار مردان کمتر می‌توان آن را یافت. هستی در منظر زنان، از وجه دیگری نگریسته می‌شود. نوع نگاه به عوالم مادی و غیرمادی، به خدا با نگاه مخصوص به خود، زندگی و به دنبال آن، جنگ را می‌نگرند. دریچه‌ی نگاه آنان، پیش از هر چیز با احساساتی غلیان‌کننده و معصومانه شکل گرفته است که گاه شکل حماسه به خود می‌گیرد و گاه جنبه‌ی بازدارنده دارد. نگارنده در این پژوهش در نظر دارد که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای به بررسی نقش زنان در ادبیات مقاومت دفاع مقدس بپردازد.

واژگان اصلی: زن، شعر، دفاع مقدس، صفارزاده، سپیده کاشانی، قیصر امین پور، سید حسن حسینی

۱: دانشجوی دوره دکتری خلخال، واحد دانشگاه آزاد اسلامی

Saed_130029@yahoo.com

۲: استادیار، کرج، دانشگاه فرهنگیان، نویسنده مسئول

۳: استادیار، تهران، دانشگاه علوم ارتباطات

۴: استادیار، خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

مقدمه‌ی پژوهش

جنگ هشت ساله، عظیم‌ترین رویداد کشورمان در دوره‌ی معاصر به حساب می‌آید. این جنگ با جوهره‌ی تدافعی و آزادی‌خواهانه، تأثیرات شگفت‌آوری بر جوانب مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی، ادبی و حتی شخصی مردمان این مرز و بوم بر جای نهاد. همزمان با این رخداد پر تلاطم، نویسندگان ادبیات داستانی در ثبت و درج هنری لحظات پر التهاب این واقعه، همت گماشتند؛ تا ریشه و هویت تاریخی این ملت را به هنگام وزش تندبادهای حوادث هول‌انگیز، استوار و ماندگار نمایند. با توجه به اهمیت این برهه‌ی سرنوشت‌ساز، در تاریخ فکری و فرهنگی این مملکت، تحلیل جامع‌نگرانه، از جریان‌های ادبی این دوره، به ویژه ادبیات داستانی، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا ادبیات داستانی، پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از پیکره‌ی دفاع مقدس است.

از سوی دیگر مفاهیم مادر در فرهنگ و ادب همه‌ی ملت‌ها و زبان‌ها از جمله در زبان و ادبیات غنی فارسی از اهمیت و قداست ویژه‌ای برخوردار است. با وجود این، واژه مادر و مضمون‌های مرتبط با آن در متون ادبیات کلاسیک تا پیش از مشروطیت بیشتر به صورت اشارات، تلمیحات، شخصیت‌های قصه، داستان‌ها و حکایت‌ها گاه به شکل مرثی و مدیحه‌ها به کار رفته اما، در ادبیات معاصر اشعاری در قالب‌ها و مضامین کاملاً مشخصی درباره مادر سروده شده است. جهاد و مبارزه در راه خدا هنر شجاعت و شهامت مؤمن واقعی خداوند است و تبلور این هنر مقدس و شجاعت و شهامت در هنر شعر امری بدیهی است.

زنان در هشت سال دفاع مقدس به واسطه‌ی داشتن فرهنگ اسلامی و با تأثیرپذیری از الگوهایی همچون حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س) در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی حضور داشتند. زنان بیدار دل و آگاه ایرانی آن قدر متعالی شده بودند که با نهایت حسرت و دردمندی، آرزوی حضور در خط مقدم جبهه‌ها را داشتند. با تعمق در تصاویری که شاعران معاصر از چهره‌ی زنان و نقشی که آن‌ها در عرصه‌ی دفاع مقدس داشته‌اند می‌توان اذعان کرد که همان نقش زنان در صدر اسلام بوده است. برای اینکه ما بتوانیم حقیقت گفته‌هایمان را اثبات کنیم یکی از بهترین

اسنادی که نقش زنان را در عرصه دفاع مقدس به تصویر کشیده است شعر شاعران معاصر و دوران دفاع مقدس است که همگی حرکات و سکنتات رزمندگان را با دوربین خیال به تصویر کشیده‌اند، البته تعداد این گونه شاعران زیاد است و لیکن چند شاعر هست که صدای آنان از دیگران مشخص و متمایز است که یکی از این صداها صدای طاهر صفارزاده است. نگارنده در این پژوهش در نظر دارد که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای-اسنادی به بررسی نقش زن و تجلی روح مادرانه در اشعار طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، سید حسن حسینی و قیصر امین پور بپردازد. از آنجا که در موضوع مورد بحث به شیوه مستندسازی و سندکاوی تحقیقی جامع صورت نگرفته است. این تحقیق می‌خواهد با نگاهی رویکردهای مربوط به نقش و تصاویر زن را در دفاع مقدس و با تأکید بر اشعار چهار شاعر قیصر امین پور، سید حسن حسینی، صفارزاده و سپیده کاشانی بررسی و تحلیل نماید.

۲. سرنوشت تاریخی زن در ادبیات فارسی کلاسیک

با کنکاش و جستجو در تواریخ ادبیات ایران و جهان می‌توان اذعان نمود که: «در ادبیات فارسی، مانند ادبیات قدیم ملل دیگر، مرد جای بیشتری را به خود اختصاص داده و حضور او در همه‌ی داستان‌ها و وقایع و حوادث محسوس‌تر است. بدیهی است در جامعه نیز چنین بوده است و ادبیات هم طرز فکر و روحیات مردم و اوضاع جامعه را منعکس می‌کند. درست است که زنانی نظیر رودابه، تهمنه، گردآفرید، فرنگیس، منیژه، در حماسه‌ی ادبیات فارسی شرکت [و حضور] دارند و یا کسانی مانند شیرین، لیلی، زلیخا، ویس، رابعه و امثال این‌ها قهرمانان اصلی برخی از داستان‌های منظوم به‌شمار می‌آیند اما چهره‌ی مردان در شعر و نثر فارسی بیشتر جلب توجه می‌کند تا زنان. مگر در آثار غزلی و غنایی که زن به زیبایی توصیف شده و موردنظر است و محبوب» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۲۵) اما حقیقت این است که بعد از ادبیات عصر مشروطه و مخصوصاً در ادبیات دفاع مقدس و هشت سال جنگ تحمیلی و در دوران بعد از جنگ نقش زنان به قدری مؤثر بوده است و به قدری زندگانی آنان پاکیزه، و شفاف و روشن بوده است که حتی مردان و شاعرانی چون سید حسن حسینی و قیصر امین پور و هراتی و نصرا... مردانی و کثیری از داستان‌نویسان را تحت تأثیر قرار داده تا درباره‌ی جایگاه والای آنان شعر بسرایند و داستان‌ها به نگارش درآوردند.

خوشبختانه در طول تاریخ ادبیات ایران حتی در حساس‌ترین برهه‌های زمانی هرگز صدای زنان به‌کلّی خاموش نبوده است و در هر دوره‌ای که کشور ما با تهاجمی اعمّ از درونی و بیرونی مواجه بوده در بین زنان نیز چهره‌هایی بوده است که به نمایندگی از زنان و مادران واکنش‌های مناسب از خود نشان داده‌اند. حتی در عصر قاجار که استبدادی‌ترین دوران تاریخ ادبیات را تشکیل می‌دهد، زنان از پای ننشستند. مثلاً در خلال تاجگذاری احمدشاه، هنگامی که جنگ جهانی در ۱۹۱۴ درگرفت و عملیات نظامی در تمام قلمرو بی‌طرف ایران انتشار یافت؛ نیمتاج خانم سلماسی - شاعری که پدر و اقوام دیگر خود را در قتل عام ارومیه، سلماس و رشت از دست داده بود - اندوه خود را در شعری به مطلع زیر بیان کرد:

ایرانیان که فرّ کیان آرزو کنند باید نخست کاوه‌ی خود جستجو کنند

(اسحاق، ۱۳۷۹: ۱۶۷).

و بار دیگر «هنگامی که ترک‌ها ایالات شمالی ایران را در خلال جنگ جهانی غارت کردند، نیمتاج خانم سلماسی شعر با روح دیگری سرود. پدر و سایر اقوام او که در این تاخت و تاز کشته شده بودند؛ ایاتی را سرود که احساسات وطن‌پرستانه‌ی او را به‌نحو صادقانه‌ای نشان می‌دهد:

آزادگی به دسته‌ی شمشیر بسته است مردان همیشه تکیه‌ی خود را بدو کنند
قانون خلقت است که باید شود ذلیل هر ملّتی که راحتی و عیش خو کنند

(اسحاق، ۱۳۷۹: ۱۸۳).

۳. ادبیات پایداری

ادبیات پایداری «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند، به‌وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصری، ۱۳۸۸: ۲۶). به‌عبارت دیگر دفاع مقدس که طی هشت سال جنگ تحمیلی ایجاد شد درحقیقت بخشی از ادبیات مقاومت ملّتی است سرفراز که برای دفاع از آرمان‌های ملّی و میهنی و مذهبی سر از پا نمی‌شناسد و هر زمان که احساس کنند کیان و هستی و سرزمینشان در تهاجمات برونی و یا درونی قرار گرفته است؛ عاشقانه جان بر طبق

اخلاص نهاده و با جان و مال و قلم و قدم در احیای ارزش‌های فرهنگی به جان می‌کوشند. ادبیات مقاومت، صدای مقاوم زنان و مردان متعهدی است که هرگز خاموش نمی‌شود و پایانی ندارد؛ تعبیری است که همیشه با مردم است؛ اگرچه شمشیرها و سرنیزه‌ها و توپ‌ها و تانک‌ها مردم را رها کرده باشند. همچنان‌که امروز به رأی العین می‌بینیم که قدرت‌های استعماری هر روز به دنبال ریختن طرح و برنامه‌های دیگری هستند تا اگر از طریق جنگ سخت نتوانند ملت‌های ستم کشیده را از پای در بیاورند در اردوهای جنگ نرم با فضای مجازی و جنگ‌افزارهای جدید می‌خواهند فکر او را فلج کنند؛ او را با فرهنگ خود بیگانه کنند. در باب گستردگی و حدود و قلمرو ادب مقاومت لازم است گفته شود، ادب مقاومت و پایداری و دفاع مقدس از نوع ادب متعهد و سیاسی است؛ چنانکه در تعریف ادب سیاسی گفته شده است: «شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعهد و مسئولیت به تولید ادبی می‌پردازد و هیچ نظر به پاداش و تشویق‌های دنیوی ندارد» (آئینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

بسیاری از وجوه و مشخصه‌ی شعر جدید فارسی تا حد زیادی نتیجه‌ی تغییرات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی است. در این راستا به‌طور طبیعی بخش قابل ملاحظه‌ی از ادبیات و شعر جدید مربوط به گسترش طرز فکر جدیدی نسبت به زن است «به‌وجود آمدن این طرز فکر جدید یکی از مهم‌ترین تغییرات در زندگی ایرانیان امروز است. ... بدون شک اسلام مقام زن را به مقیاس وسیعی بالا برد.

۴. پیشینه‌ی پژوهش

- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹) حکایت همچنان باقی، تهران، سخن این کتاب شامل یادداشت‌های انتقادی و ادبی مفیدی است که در صفحات (۹۷-۹۳) به سرگذشت تعدادی از زنان شاعر در ادبیات فارسی اختصاص یافته که همین قسمت مورد استفاده قرار گرفته است.

- آرین پور، یحیی (۱۳۷۶). از نیما تا روزگار ما، تهران: زوآر. فصل اول این کتاب به تأثیر در موقعیت زنان ایرانی اختصاص یافته است که حاوی مطالب مفیدی درباره‌ی زن در ادیان و زن در ادبیات فارسی دارد.

- زرقانی، سید مهدی (۱۳۸۴). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران، ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش و ادبیات فارسی. یکی از بهترین اثری که درباره‌ی ادبیات معاصر ایران

نوشته شده است؛ همین کتاب است. در این پژوهش از این اثر در شناخت شعر و شخصیت صفارزاده استفاده گردیده است.

- قدمیاری، مجید (۱۳۸۸). معجزه‌ی پروین (نقد و تحلیل و گزیده‌ی اشعار پروین اعتصامی). تهران: سخن. در این کتاب - به گردآوری مقالاتی از سوی پروین اعتصامی شناسان اقدام گردیده است. این کتاب علاوه بر مقالات مفید در زمینه‌ی اشعار پروین اعتصامی درباره‌ی زن و نقش او در ادبیات معاصر نیز مطالب ارزشمندی دارد.

- شریف‌پور، عنایت‌اله و همکار، (۱۳۸۹). بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس، نشریه‌ی ادبیات پایداری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹. در این مقاله نقش و موقعیت زنان در خلق حماسه‌های جنگ در ادبیات داستانی و دفاع مقدس مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

- غنی‌پور، ملک‌شاه، احمد و همکار (۱۳۹۱). تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده. ادبیات پایداری، س ۴، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص (۱۷۶-۱۳۹). در این مقاله بسیاری از مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار صفارزاده تحلیل گردیده و گاه به گاهی به صورت ضمنی زنان در اشعار صفارزاده نیز اشاراتی گردیده است.

- شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. تهران، قطره. فصل شانزدهم این کتاب ارزشمند به بحث فمینیسم اختصاص یافته است. (۲۷۵-۲۷۳) در این پایان‌نامه از این کتاب ارزشمند در زمینه فمینیسم و ادبیات فارسی استفاده گردیده است.

- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۳). زندگانی فاطمه‌ی زهرا (س)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. در این کتاب ابعاد شخصیت فاطمه‌ی زهرا (س) و زوایا و خفایای پنهان زندگی او با قلم شیرین و رسای استاد فقید سید جعفر شهیدی بررسی گردیده است. از آنجا که به نظر نگارنده منشأ الهام زنان و مادران در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس این بانوی بزرگوار بوده است. از این کتاب در نوشتن این پایان‌نامه سود جسته شد.

- جوادی آملی، عبد... (۱۳۹۲). زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء. در این کتاب ابعاد وجودی زن در مکتب اسلام بررسی گردیده است. کتاب شامل اطلاعات مفیدی درباره‌ی حقوق و

شخصیت زنان دارد. این کتاب در این پایان‌نامه مورد مراجعه نگارنده بوده است.

۱- اسحاق، محمد (۱۳۷۹). شعر جدید فارسی. ترجمه‌ی دکتر سیروس شمیسا، تهران: فردوسی. کتاب بسیار ارزشمندی، حاوی اطلاعات مفید درباره‌ی ادبیات معاصر ایران که براساس آن می‌توان تاریخ ادبیات معاصر ایران را تکمیل نمود. در این کتاب از ص ۱۸۳ به بعد با عنوان «زن در شعر جدید فارسی» درباره‌ی موقعیت زبان در ادبیات معاصر اشارات ظریفی گردیده است.

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش توصیفی - تحلیلی و بر بنیاد مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است و نوع تحقیق کیفی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات با استفاده از فیش و پایگاه‌های علمی و اینترنتی می‌باشد.

۶. پرسش‌های تحقیق

این تحقیق می‌خواهد به دو پرسش زیر پاسخ دهد:

۱- نقش زنان در هشت سال دفاع مقدس چیست؟

۲- در شعر شاعرانی چون: سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور، سپیده کاشانی و طاهره صفارزاده نقش زنان و حضور آنان با چه تصاویر و مضامینی آورده شده است؟

۷. یافته‌ها

۷.۱ نقش و تصویر زن در شعر صفارزاده و سپیده کاشانی

در محرم ۶۴ و اوج جنگ تحمیلی ایران و عراق و دفاع مقدس بود که طاهره صفارزاده، شعر مهم خود «بانوی ما» را سرود. این شعر در وصف زندگانی پر از رنج‌ها و مصیبت‌های فاطمه (س) است. به بندهایی از این شعر اشاره می‌گردد:

با چشم اشکبار / باید برخاست / به پیشواز دسته‌های حسینی باید رفت / از خانه‌های دزدگی بیرون باید رفت. / وقتی که موج‌های هرز و مودی / عبور بانگ حقیقت را / به تنگنای خدشه می‌آیند / آن ساعت بزرگ نامرئی / شعر مرا به کار فرا می‌خواند. / و زخم حنجره‌ام را / به دست یارانش / به التیام می‌آراید (صفارزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۸-۱۱۲).

موج‌های هرزه و مودی همان تبلیغات بیگانگان علیه زنان بود که آنان را به‌سوی بی‌هویتی دعوت

می‌کردند که گذار از این بحران تا رسیدن به حقیقت نیاز به همت و پایداری داشت. برای عبور از این گذار و رسیدن به حقیقت و استقلال بود که زنان در عرصه‌ی دفاع مقدس نقش‌های گوناگونی را بازی کردند که به بعضی از این نقش‌ها اشاره می‌گردد.

پایداری و نقش زنان در دفاع مقدس را می‌توان در سه مؤلفه و مقوله به‌شرح زیر مطالعه کرد: «۱- پایداری در برابر دشمن خارجی؛ ۲- پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابری‌های جامعه؛ ۳- پایداری در برابر نفس» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

یکی از خصیصه‌های ادبیات پایداری که دفاع مقدس نیز نمونه‌ای از این‌گونه ادبیات است، بیان پایداری و مقاومت ملتی استوار در مقابل تهاجم خارجی است. از روزی که مادران و زنان شیردل و صبور این ملت این‌چنین فرزندان رشید خود را درگیر دشمنان مهاجم می‌دیدند، مهر و عطوفت مادری آن‌ها به جوشش درمی‌آمد؛ و به پاس حماسه‌آفرینی‌ها و شهادت‌طلبی‌های فرزندان‌شان و برای اینکه این کشور به چنگال استعمارگران نیفتند و خون جوانان بی‌گناه بر زمین ریخته نشود آنچه که در توش و توان داشتند بر طبق اخلاص می‌نهادند و به یاری رزمندگان می‌شتافتند.

سرور اعظم باکوچی، فرزند حسین باکوچی، معروف به «سپیده‌ی کاشانی» در اولین روز از مرداد ماه سال ۱۳۱۵ در خانواده‌ای متدین و اصیل در کاشان دیده به جهان گشود. او از آغاز نوجوانی و حتی در ۱۱ سالگی شعر می‌سرود، اما به طور جدی شاعری او از سال ۱۳۴۸ آغاز شده بود. در سال ۱۳۵۲ مجموعه شعری با عنوان «پروانه‌های شب» منتشر کرد که بیشتر آن شعرها به ظلم‌ستیزی و اختناق آن دوران اختصاص داشت و لذا بسیاری از آن شاعر با سانسور مواجه گردید و مطالب مهمی حذف گردید. گرچه سپیده‌ی کاشانی فعالیت‌های شعری و هنری خود را از سال ۱۳۴۸ آغاز کرد و دفتر شعر خود را در سال ۱۳۵۲ به چاپ سپرد، اما به‌عنوان یک زن مسلمان و شاعره انقلابی هویت و شخصیت واقعی خود را بعد از انقلاب پیدا کرد

سپیده‌ی کاشانی به‌خاطر عشق و علاقه‌ای که به‌عنوان یک زن، مادر و خواهر به رزمندگان جان بر کف و حماسه‌ساز و حماسه‌آفرین داشت با وجود آن‌که یک زن بود، بارها در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حاضر شد. سرودن اشعار حماسی آنان را در جهاد بادشمن بعثی عاشقانه همراهی می‌کرد.

او با اشتیاقی برآمده از ایمان و علاقه‌ی قلبی و اخلاصی وصف ناشدنی، پایه‌پای رزمندگان در جبهه‌ها با سلاح شعر می‌جنگید و برای پیروزی آنان دعا میکرد اکنون یکی از اشعار او را که در وعده بهار و فتح و پیروزی سروده شده است و به رزمندگان مژده پیروزی داده است و در آن دلآوری‌های رزمندگان را ستوده است با هم بخوانیم. قالب شعر قصیده - غزل است و در آن عنصر حماسه با زبان نرم و طلیف بیان شده است.

برادر مبارزم زمزمه کن بهار را	بچین ز شاخه‌ی یقین میوه‌ی انتظار را
بهار شد بهار شد وطن چو لاله‌زار شد	تا که شمارد این همه لاله بی‌شمار را
به خون رقم زدند تا غصه روزگار من	بخوان بخوان زدفترم شوکت این تبار را
خصم پلید را بکش به چاه شب بیفکنش	ز نیستی بکش بر او پرده‌ی استار را
نشسته خصم خاروش به ساقه‌ی نگاه تو	به حربه‌ی مقاومت بکن ز ریشه خار را
سلاح گل‌فشانان همیشه بوسه می‌زند	به دوش و دست هایتان پینه‌ی افتخار را
اوج دعای من توئی، تو ای طلیعه‌ی فلق	به سینه‌ی تو دیده‌ام زلال چشمه سارا
سوخته بر منم منم به شعله‌ی مراد خود	وه که به جان خریده‌ام لذت این شرار را
یوسف کربلا مگر به پیشباز آمده	که عطر جامه‌اش چنین برد زما قرار را
فرات تشنه می‌دود ز سوگ تشنگان ما	به موج موج دارد او ترانه بهار را
به خون وضو گرفت تا برادر شهید من	به اشک شویم این زمان زچکامه‌اش غبار را
دعای ما نثاران دلاوران عصر ما	که استقامت از شما رسیده کوهسار را
کشیده پر زآشبان پرنده‌های جانشان	غبار جامه‌هایشان گرفته بوی یار را
ستاره زار شد زمین ز اختران میهنم	به قاب روزگار بین شکوه شاهکار را
سپیده در سپیده‌دم طلوع آفتاب بین	که سیل نور می‌کند ریشه شام تا را

(akjavadzadeh.persianblog.ir)

شعری که نقل گردید از بانو سپیده‌ی کاشانی شاعر انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است که در ترویج ادبیات پایداری و مقاومت سهمی به‌سزا دارد. شعری که خواننده شد در وزن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

مفاعلت است. بحر رجز مثنی مجنون. این وزن از اوزان نادراستعمال است که سپیده کاشانی با خلاقیت هنری و شاعرانه‌ی خود آن را ابداع کرده است و این از نوآوریهای سپیده کاشانی، شاعر معاصر است.

سپیده کاشانی در روزهایی که به عنوان یک زن شاعر مسلمان انقلابی قدم به میدان نهاد که دشمن مدعی بود در صحنه‌های فرهنگ، ادب و هنر این انقلاب، جایی برای زنان نیست. او ثابت کرد که چنین دیدگاهی برای زنان بیهوده و باطل است. وجود و حضور او در عرصه‌های گوناگون اجتماع، مخصوصاً در صحنه‌های ادبیات جنگ و دفاع مقدس گویای این حقیقت بود که می‌تواند یک زن بود و با حفظ همه ویژگی‌های مثبت یک زن در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی شرکت کرد.

سپیده کاشانی، در روزهایی از سال ۱۳۶۷ و در گرمای ماه دوم تابستان همان سال، با دیدار نوجوانانی که از نبردی پیروزمندانه باز می‌گشتند و در آستانه پایان تجاوز دشمن، سرود سپاه محمد (ص) را به آنها هدیه کرد:

برادر شکفته گل آشنایی	فرو ریخت دیوارهای جدایی
به یاران اسلام بادا مبارک	طلوع دگر بار این روشنایی
به میدان در آیم بازو به بازو	بتازیم تا فجر صبح رهایی
سپاه محمد (ص) می آید	سپاه محمد (ص) می آید ...

سپیده کاشانی زنی است هنرآفرین و نمونه‌ای از زنان نقش آفرین در عرصه ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ دفاع مقدس که با زبان هنری و شور آفرین عصر توانست قصه پرغصه روزگار خود را که مردم ستم‌دیده ایران با آن دست به گریبان بودند به تصویر کشد. در عرصه هشت سال جنگ تحمیلی یکی از شهرهایی که مظلومانه مورد تجاوز دشمن قرار گرفت خرمشهر بود که به خونین شهر معروف بود شاعران متعهد و انقلابی در دفاع از این شهر مظلوم نیز اشعاری بسیار غم‌انگیز سرودند باز هم ابیاتی از سپیده کاشانی را در درباره خرمشهر بخوانیم:

ای خرمشهر ای خاک گهر خیز	ای سینه پر آذرت از غصه لبریز
سوی تو مرغان مهاجر باز آیند	برآشیان سبز در پرواز آیند

با من بخوان شعر ظفر ای بندر سبز / شب سر شد و آمد سحر ای بندر سبز

قداست شهید و شهادت در آثار صفار زاده و سپیده کاشانی موج می زند. یکی از مهم‌ترین موضوعات شعری هر دو شاعر تقدیس شهید و شهادت است. یکی از آثار صفار زاده که پیش از سایر آثارش به موضوع شهید و شهادت و فرهنگ عاشورایی اختصاص یافته است «بیعت با بیداری» است که به راحتی به ذهن خواننده انتقال می یابد:

«از راه خاک آمده ای / از راه خون / از ابتدای روز جدال / از ابتدای جاده تابوت / اینجا بهشت است / بهشت زهرا / درخت‌های باغ دوباره چوب شدند / تابوت شدند / تابوت‌ها گل داده‌اند / شکوفه داده‌اند / گل‌های بی کفن و غسل» (صفار زاده، ۱۳۸۷: ۲۹).

گل‌های بی کفن و غسل استعاره از شهدا هستند. صفار زاده در این بند به نکته مهمی اشاره کرده است و آن اینکه شهید به اندازه‌ای مقدس است که نیاز به کفن و غسل هم ندارد.

«و تو به پا می خیزی / با اشتیاق و شور شهادت در باران / آب و گل تن تو / شکوفه خواهد داد / گل خواهد داد / و سلسله گل همیشه منتظر رحمتی است / که هیچ نمی داند کسی می آید / که منتظر فصل نیست / که گونگی خاک را نمی داند / چه خاک دامن گیری دارد / این دیار شما / آه ای شهید / دست مرا بگیر / با دست‌هایی / کز چادرهای زمین کوتاه است / دست مرا بگیر» (صفار زاده، ۱۳۸۶: ۴۰-۴۱).

صفار زاده هم همچون دیگر شاعران انقلابی در ترسیم و تصویر ادبیات دفاع مقدس و نقش زنان و مردان به نهضت عاشورا توجهی ویژه دارد.

«ما در محاربه هستیم / هر کس که با حسین (ع) به جنگ است / و در صلحیم / با هر کسی که با حسین (ع) به صلح است / و خاندان «زیاد» عجیب زیادند» (صفار زاده، ۱۳۸۶: ۴۵). توجه صفار زاده به عاشورا در حقیقت توجه زنان عرصه دفاع مقدس به این موضوع است که تنها راه نجات ملت ما را در این می دانند که حسین (ع) و یاران او رفته‌اند، و این راه؛ راه حق است؛ راهی که ایشار و جانفشانی و شهادت می خواهد:

«راه حسین (ع) راه اقامه حق است / و این طریق یگانه / یگانه مرهم تاریخ زخم‌های ملت ماست» (صفار زاده، ۱۳۸۶: ۸۰).

و بدینسان، شخصیت‌های نهضت عاشورا در شعر او بسیار مورد توجه قرار گرفته است، شخصیت‌هایی چون، امام حسین (ع)، حضرت زینب (س)، حضرت ابوالفضل (ع) و... «و عصر عاشورا/ در راه است و قلب زینب صابر می خواند/ آه ای غریبه‌های ستمکار/ ما/ اهل حق/ رو به شام غریبان داریم» (صفار زاده، ۱۳۸۴: ۷۴).

این شعر صفار زاده چه زنده و گویا حوادث عصر عاشورا و بعد از آن را در ذهن انسان تداعی می‌کند. وقتی که خون امام حسین (ع) و یاران او در سرزمین کربلا به ناحق بر زمین ریخته شد، زینب (س) این زنی که مردانگی باید در رکاب او جوانمردی بیاموزد برای اینکه خون امام حسین (ع) و یاران او به هدر نرود به روش تبلیغی خود که رساندن پیام به گوش مردم بود ادامه داد. البته حضرت زینب بعد از حادثه کربلا قصد سخنرانی می‌کند و خون امام حسین (ع) را زنده نگه میدارد. زینب (س) مطالب بسیاری را در خطبه خود می‌توانست بازگو کند و فتح و پیروزی‌هایی که نصیب خاندان بنی هاشم در جنگ‌های گذشته شده بود به رخ آنان دشمنانشان بکشد، اما این کار را نکرد و به جای آن کار جلوی دروازه کوفه، مظلومیت امام حسین (ع) و خاندانش را و از طرف دیگر ظلم یزید را به رخ مردم کشید و در مجلس ابن زیاد هم همین عمل را انجام داد. و وقتی که ابن زیاد با غرور و خودسری به حضرت زینب اهانت می‌کرد حضرت زینب حالت مظلومیت به خود می‌گرفت و می‌فرمود: من اسیرم و تو امیری، رابطه یک اسیر و امیر همین است؟» (رفسنجانی، ۱۳۶۸: ۸۱-۲۸۰).

شاعر بر این باور است شهید بعد از فنای فی الله به بقای بالله رسیده است که در عرفان آخرین مرحله از مرحله‌های سلوک است:

می شنوم خواهرم/ که دیوارهای هر سنگر فریاد می زند «چمران»/ که صخره‌ها، که کوهها، که بیابانها، که نخلستان‌ها/ فریاد می زنند «چمران»/ که بین واژگان صخره، کوه، بیابان و نخلستان» مراعات التظیر وجود دارد. تکرار واژه چمران سبب هارمونی و ایجاد موسیقی در کلام شده و تأثیر شعر را دو چندان می‌کند. در ادبیات پایانی، شاعر همسر شهید را که از دیار لبنان است «زینب سرزمین سدرهای سترون» و «عروس حجله خون» خطاب می‌کند و برای درمان زخم عمیق قلب او با تمام وجود با او همدردی می‌کند:

آری، خواهرم/ ای زینب سرزمین سدرهای سترون/ ای عروس حجله خون/ نینوای «دهلاویه» پایان راه مقدس او نیست/ و تو در این دیار غریب نیستی/ و تنها نیستی/ خواهرم، زخم عمیق قلب تو را آیا / صفای کلام خواهرانت/ و همدردی برادرانت / درمان خواهد بود...؟ (گلمرادی، ۱۳۸۱: ۲۲۶ - ۲۱).

۸. نقش و تصویر زن در شعر دفاع مقدس با تأکید بر اشعار قیصر امین پور و سید حسن حسینی در مورد نگاه قیصر به تصویر و ترسیم زن در عرصه دفاع مقدس را باید از تحولات شعری این شاعر قلمداد کرد؛ گرچه این تحول شعری در شعر قیصر در نزد برخی از شعر شناسان به صورت شبیه ناک جلوه کرده است که مثلاً همان قیصری که در اوایل دهه شصت همه از جنگ صحبت می کرده؛ چه شده است که مثلاً در دهه های آخر ۶۰ دم از صلح و دوستی سخن به میان آورده است. فاطمه راکعی به این پرسش چنین پاسخ می دهد. «این شاعران در چهار چوب آرمانهای انقلاب اسلامی که توأم با معنویات و آموزه های دینی است، حرکت کرده اند و آرمانهایی را که از سال ۱۳۵۷ به بعد و حتی پیش از آن یعنی از زمان تبعید حضرت امام مطرح شده است مبنای طرز فکر و اساس کار خود قرار داده اند».

اما اگر تحوکی در شعر شاعران بزرگی نظیر قیصر مشاهده می کنیم، مثلاً در کتاب «دستور زبان عشق» به عقیده من این تحول سیر طبیعی تطور تحول فکری طبیعی امثال قیصر است. شاعری نظیر قیصر که در بین مردم زندگی کرده است، اگر در زمان جنگ در ستایش رزمندگان شعر می سراید و همه عواطف و عشق خود را به پای آنها می ریزد، و از جنگ با شکوه یاد می کند، قطعاً احساس طبیعی اوست و اگر امروز در آرمان ها و اشعار خود از صلح سخن می گوید، این آرزوی طبیعی اوست؛ لذا اگر کسی با عواطف انسانی قیصر امین پور و امثال او آشنا باشد متوجه می شود، این شاعران اگر درباره جنگ شعر سروده اند اشعار آنها در ستایش جنگ و تشویق مردم برای جنگ نیست، زیرا اگر هم جنگی بوده در دفاع از ارزش ها و آرمان ها بوده است. بنابراین طبیعی است که امثال این شاعران در زمینه جنگ شعر بسرایند و آرزوی صلح و آرامش را در این اشعار مطرح نمایند. (راستگو، ۱۳۷۳: ۵).

سید حسن حسینی (۱۳۳۵ - ۱۳۸۳) هم که سرنوشتش با سرنوشت قیصر امین پور از چند

لحاظ به هم گره خورده بود، در تهران به دنیا آمد، در رشته تغذیه لیسانس و در رشته ادبیات فارسی فوق لیسانس و دکتری گرفت. حسینی به زبان عربی مسلط و با زبان‌های ترکی و انگلیسی آشنا بود. از سال ۱۳۵۲ شروع به سرودن شعر کرد که اشعارش در مجله فردوسی آن زمان منتشر می شد همسران جانبازان شیمیایی در طول هشت سال دفاع مقدس فداکاری‌ها و ایثارگری‌های فراوانی از خود نشان دادند. زندگی را با همه سختی‌هایش تحمل کردند هم نقش پدر فرزندان را بازی کردند و هم نقش مادری را ایفا نمودند. «امیر سنجری» از شاعران دفاع مقدس در مجموعه «زخم سیب» نقش پدر بودن آنها را چه نیکو بیان کرده است:

دست بر شانه‌ام انداخت غم رفتن تو
بعد در شهر به پرواز در آمد تن
بعد تو با غزل خاطرت آمده است
به پرستاری گل‌های مزارت زن تو
پسرت گفت: و حالا به چه باید خو کرد!
مادرش گفت که به خاطره‌ی بودن تو
(اسرافیلی، ۱۳۸۵: ۱۳۰).

این بیت‌های به ظاهر ساده که در نگاه اول چنین به نظر می رسد که عاری از هرگونه صنعت است پر از صور خیال است. در بیت اول غم رفتن جانباز همانند انسانی تصور شده است که دست بر شانه شاعر انداخته است. در بیت بعدی ترکیب «پرستاری گل‌های مزار» به نفس مادر بودن و پرورش فرزندان اشاره دارد. در بیت آخر شاعر به نقش زن، مادر و نقش او در تدبیر منزل و ایجاد آرامش برای فرزندان اشاره دارد. شعر بسیار مؤثر و عاطفی است. خاطراتی که از جانباز بر جای مانده است زندگی را برای همسر و فرزندان تحمل پذیر و دلنشین کرده است.

قیصر امین پور که خود از سرزمین حماسه ساز و حماسه آفرین خوزستان است و همچون یلی دلاور در خط مقدم جبهه شرکت داشت، با قلم و بیان سحرآفرین خود نقش زن را در کنترل امور اقتصادی خانه به وجه زیبایی به تصویر کشیده است. کودک/ با گریه‌هایش در حیاط خانه بازی می کند/ مادر، کنار چرخ خیاطی/ آرام رفته در نخ سوزن/ عطر بخار چای تازه / در خانه می پیچد/ صدای «در»! / شاید «پدر»! تصویر سازی شاعر از صحنه‌های دیداری و شنیداری بسیار ماهرانه و استادانه است. دربند اول شرح حال کودکی را گزارش می کند که در حال بازی کردن است اما گریه هم می کند. ولی در عین حال دارای آرامش خیال است. دربند دوم شاعر با گزینش واژگان «مادر» و

«چرخ خیاطی» بر نقش اقتصادی زن در هنگام عدم حضور مرد در خانه و به علت به سر بردن در جبهه تأکید دارد.

حسن حسینی شاعری شیعی است و انقلاب و جنگ را نهضتی میداند که ادامه دهنده راه امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) است. از این چشم انداز نگاه وی به وقایع انقلاب برگرفته از فرهنگ غنی عاشوراست وی رزمندگان (مرد و زن) را یاورانی می داند که ندای (هل من ناصرني سيدالشهدا) پاسخ گفته‌اند.

دیروز گر روبه قتال آوردیم
 امروز به خیمه گاه آن دعوت ناب
 درپاسخ تو زبان لال آوردیم
 صد علقمه لبیک زلال آوردیم
 ((در گنجشک و جبرئیل)) می گوید:

با من بگوئید / تکلیف لفظ ناتوان حماسه / غیر از سکوت / درقبال نام شما چیست؟

(حسینی، ۱۳۷۱: ۲۴).

فاطمه معینی الدین می نویسد: «حسینی حضرت زهراى اطهر (س) را مادر خود می داند و در شرابه‌های روسری مادرم شهادت غریبانه او را که ایستاده و کبود می میرد به شکل زیر به تصویر می کشد: و تاریخ گل عطر غریبی داشت.

وقتی مادرم ایستاده بود / و باز هم پلک های کبودش شهید می شدند» (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۹) و دلاوران عرصه عاشورا که با لبخند به استقبال مرگ رفتند، الهام بخش حسینی برای ارائه تصویری دوست داشتنی و جاودانه از مرگ هستند. «دریا / کرانه تا کرانه / میزبان شهادت / و آسمان / خون بهای لبخندی / که مرگ از لبانتان چید*» (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۵).

یکی از ویژگی‌های بارز شاعران دفاع مقدس حدیث نفس و بازگشت به خویش است و روی آوردن به حدیث نفس به خاطر آن است که آنان از نسل نور بوده‌اند، رفته‌اند و آنان که از نسل ظلمت‌اند، آنان چنان گرفتار ظلمت و تیرگی شده‌اند که دیگر کسی حتی صدای او را نمی شنود (معینی الدینی، ۱۳۹۱: ۱۸۰). آنجا که حسینی با مادر خود - حضرت زهرا (س) به زبان درود سخن می گوید، نیز به شکلی به حدیث روی آورده و بازگشت به خود را تجلی می سازد: ((به مادرم / که از نور معطر است / سلام می کنم امشب... / به مادرم می گویم: / بی آسمانم / و زمین نیشم

می زند/ مادرم را می خوانم/ در بی نشانی خاک/ و دستش را می بوسم/ دستی که / دو شاخه شاداب/ در گلدان بهشت/ به یادگار نهاد. (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۵۷). صفارزاده نیز در حدیث نفسی در شعر «بانوی ما» این چنین بازگشت به خویش می کند و از چهره‌های فرهنگ عاشورایی الهام می‌گیرد:

«در ظهر خونی عاشورا هستیم/ شوری اشک/ روز ازل/ ز خون دیده عاشور آمده/ از شام تلخ غریبان/ تا اربعین/ مسافت اشک آلودی است/ اشک صفوف شیعه‌ی شیدا / همراه اشک زینب کبری.» (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

در اینجا مغتنم می‌دانم بندهایی از اشعار مثنوی رهایی از علیرضا دهرویه که برای آزادگان عزیز سروده شده است ذکر کنم:

زخم تنت را به که پس می دهی؟	آمدی و بوی قفس می دهی
زخم تنت نوبر امسال ما	آمده‌ای؟ حنجره ات مال ما
رنگ نگاهت چمنی بوده است	آمدنت آمدنی بوده است
گرم ملاقات خدا بوده‌ای؟	راست بگو! با که ؟ کجا بوده‌ای؟
تند زدی بال و نفس می زنی	آمدی و حرف قفس می زنی
صبر کن آهسته نفس تازه کن	خاطره کنج قفس تازه کن
چشم و دلم آینه کاری شده	خانه پرواز پر عطر بهاری شده
من سر و پا گوش دمت گرم باد!	سردی من در قدمت گرم باد

(علی رضا دهرویه)

با آنکه هنوز درباره نقش زنان در عرصه جنگ و دفاع مقدس سخن‌های بی شماری می توان گفت که در صفحات محدود این پایان نامه شرح آن همه را نمی توان باز گفت. و من ناگزیرم سخنان را با همه اشتیاقی که به نوشتن دارم خلاصه کنم اما همچنان دوست دارم که صفحات این پایان نامه به اشعار چند تن از شاعران دفاع مقدس مزین گردد که تا به حال درباره آنها و شعرشان سخن به میان نیامده است؛ و لذا جهت حسن ختام این فصل با ذکر چند شعر از شاعران دوره جنگ و دفاع مقدس به پایان می رسانم. شعر زیر با عنوان «نامه» از عبد الملکیان است. عبدالملکیان در شعر جنگ

برای خود صدای مستقلى دارد و بسيارى از سروده هايش در وصيت نامه شهيدان و كتاب‌هاى درسى، الگو قرار گرفته، گاه در جست جو براى يافتن قالب‌هاى سخن گفتن جديد، خواننده را به ياد شاعر فلسطينى به ويژه محمود درويش مى اندازد. در اين شعر رد پاى تاثير پذيرى از «شعر جنگ» قيصر امين پور نيز ديده ميشود. در اين سروده نماهاى درشت از زخم‌ها و زشتى‌هاى جنگ و ديگر مشخصه‌هاى جنگى جلب توجه مى‌کند.

«نامه»

مادر، سلام / خانه ات آبادان / گفتم که خانه ات؟ / در نامه تو خواندم و دانستم / بيدار زخم ظالم موشک / سقف گليني خانه مارا / به خاک ريخت . / مادر غمت مباد / که پاهای ما پاست / دست تو دست من است / دست هزار من / مى سازد و دوباره مى آغازد/ هر آنچه را که تير فتنه مى اندازد / گفتم: / «در آن شب موشک آمد و ويران کرد» / «مریم به خواب بود» / «فردا فقط عروسک خونينش» / بر جای مانده بود / «يك هفته بعد نيز» / «يك پير مرد» / «دست به خون نشسته مریم را» / «از قلب سبز باغچه سرخ خانه اش» / «در لابه لای گريه گل‌ها جست» / «مظلوم کوچکم» / «اين گونه در شقاوت ظلمى بزرگ سوخت» / مادر غمت مباد که تاريخ جنگ ما / با خون پاک و روشن مریم / نوشته خواهد شد / با دل نگاه کن / تاريخ پر تالو مظلومان / سرشار از شگفتن مریم هاست / مادر غمت مباد / قلبت بزرگ و دست دعايت بلند باد / تا دست‌هاى من / خورشيد فتح را بنشانند به بام جنگ / اين نامه را / از جبهه جنوب / از سرزمين زخمى خوزستان / با خون و پاک روشن مریم / با خون پر تلاطم کارون / با خون کرخه مى نويسم و مى گوئيم / مادر غمت مباد / اينجا که بى دريغى خون جاريست / مظلوم زخمى ات / تا انهدام ظلم / دست از مدار ماشه بر نميدارد / مادر، اينجا حضور روشن ايثار / جارى تر از تلاطم کارون است / اينجا تلاش کودک و پير جوان ما / در اشتياق رفتن بر روى مين / تماشاى است / اينجا هر آنچه هست / شکوفايى است / اينجا هشتاد سالگى / بر تانک مى نشيند و مى جنگد / اينجا، ده سالگى کتاب مدرسه اش را / در سنگر مبارزه مى خواند / اينجا بلوچ و کرد و لر و ترک / باهم زبان مشترکى دارند / اينجا تمام شب / در برج ديد باني / ايمان، مشغول پاسدارى و بيدارى است / خداحافظ.

شعرى که خواننده شد شعرى است پر تاثير که بسيارى از ملاک‌هاى هر شعر عالى را

حائز است. تطبیق فرم با محتوا، تخیل قوی، وحدت اندام وار (ارگانیک)، عزم باور داشت و حقیقت‌نمایی، عناصر مضمون‌ساز، موسیقی عصر، ادبی بودن، آشنایی زدایی و برجسته‌سازی و تشخیص، ارکستریشن حاکم بر شعر را می‌توان از معاییر علو این اثر محسوب داشت. بی‌گمان اگر کسی بخواهد در آینده گزیده جامعی از اشعار انقلاب و جنگ و دفاع مقدس را تهیه کند؛ این شعر باید یکی از بهترین شعرهای آن گزیده را تشکیل دهد.

۹. نتیجه‌گیری

ادبیات آینه‌ی تمام‌نمای جامعه است که واقعی‌ترین حوادث و اتفاق‌ها را می‌شود در این آینه دید، اگر به تاریخ ادبیات مابعد کنیم در می‌یابیم که حوادث تاریخی و اجتماعی مضمون‌های بسیاری در ادبیات به وجود آورده‌اند. هر پیروزی، شکست یا حادثه‌ای نوعی از انواع ادبی را پدید آورده است، شاعر در خلأ زندگی نمی‌کند و عمده تأثیر و الهام آفرینش‌های ادبی خود را از جامعه و محیط زندگی خود می‌گیرد.

با انقلاب اسلامی و جنگ نیز ادبیات انقلاب و ادبیات مقاومت زاده شد، حضور زن در این ادبیات بسیار پر‌رنگ است؛ چه تصویری که در آثار ادبی که مردان خلق کرده‌اند، چه آثاری که زنان صاحب قلم خود آفرینشگر آن بوده‌اند. بررسی آثار ادبی جنگ، بهترین دایره‌المعارفی است که می‌شود قشرهای مختلف زنان را در لا به لای آن پیدا کرد و زندگی، مسائل و مشکلات آن‌ها را در همین آثار شناخت، جنگ شیوه‌ی زندگی متفاوتی به زن می‌دهد و این زندگی متفاوت، دست‌مایه‌ی آثار بسیاری از اهل قلم می‌شود.

فهرست منابع:

- اسحاق، محمد. (۱۳۷۹). شعر جدید فارسی، ترجمه دکتر سیروس شمیسا، تهران: فردوس.
- اسرافیلی، حسین. (۱۳۸۵). زم سبب، تهران: صریح.
- آرزین پور، یحیی. (۱۳۷۶). از نیما تا روزگار ما، تهران: زوآر.
- آینه وند، صادق. (۱۳۷۰). «ادبیات مقاومت»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، ش ۷، صص ۳۵-۳۴.
- بصیری، محمد صادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ج ۱، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
- بیات، حسینی و حسینی سید محسن. (۱۳۸۷). چشم انداز ادبیات انقلاب اسلامی، قم تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳)، زن در آینه‌ی جمال و جلال، تنظیم و تحقیق محمد لطیفی، قم: ناشران.

- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶). شاعری در شعر، تهران: نشر تکا.
- حسینی، سید حسن ۱۳۷۱ پژوهشنامه ادب غنایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دهم، شماره ۱۸، بهار و تابستان.
- راستگو، محمد. (۱۳۷۳). حماسه در شعر انقلاب، مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سمت.
- رفسنجانی، اکبر. (۱۳۶۸). انقلاب و دفاع مقدس، تهران: انتشارات بنیاد پانزده خرداد.
- زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۳). چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: نشر ثالث، ج اول، چاپ دوم.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، حکایت همچنان باقی است، تهران: نشر نی.
- شریف‌پور، عنایت‌اله و همکار، (۱۳۸۹). «بررسی نقش زنان در چند داستان کوتاه دفاع مقدس»، نشریه‌ی ادبیات پایداری، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱، ش ۲، بهار ۱۳۸۹.
- شهیدی، سید-جعفر (۱۳۷۳)، زندگانی فاطمه زهرا (س)، تهران: مولا.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). مکتب‌های ادبی، تهران: نشر قطره.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). کهن جامه، اشعاری در قوالب کهن، تهران: فردوس.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۴). روشنگران راه، تهران: برگ زیتون.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۶). بیعت با بیداری، تهران: سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۷). طنین بیداری، گزیده اشعار، تهران: موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران.
- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و دیگران. (۱۳۹۱). «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده»، نشریه ادبیات پایداری، س ۴، ش ۷.
- فروغی جهرمی، محمد قاسم. (۱۳۷۳). رویش و پرواز، مجموعه شعر دفاع مقدس، تهران: معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی سپاه، مدیریت انتشارات.
- قبادی، حسینعلی و ...، ۱۳۸۷، بررسی شعر انقلاب اسلامی و یادکرد دکتر قیصر امین‌پور، کتاب ماه ادبیات، ش ۱۳.
- قدمیاری، مجید (۱۳۸۸)، معجزه‌ی پروین، تهران: ثالث.
- گل‌مرادی، شیرینعلی. (۱۳۸۱). آوازهای گل محمدی، تهران: چاپ و نشر فرهنگ گستر.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). کیمیای سخن، تهران: انتشارات هاشمی.